



بررسی موانع گسترش تجارت بین کشورهای در حال توسعه و تدابیری جهت غلبه بر آنها

«موتور رشد» برای کشورهای در حال توسعه اهمیت یافت، این دوره در شروع دهه ۱۹۸۰ خاتمه یافت. در این زمان تجارت بین کشورهای در حال توسعه تقریباً ۸ درصد از تجارت جهانی را تشکیل می‌داد.

(ج) - مرحله فعلی، که مشخصه آن عدم رشد ارزش تجارت، مابین کشورهای در حال توسعه و کاهش سهم آن از تجارت جهانی می‌باشد.

طی سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ تجارت مابین کشورهای در حال توسعه تدریجاً کاهش یافت و از ۱۵۲/۳ میلیارد دلار به ۱۲۲/۲ میلیارد دلار بالغ گردید. این رقم تا سال ۱۹۸۸ مجدداً به سطح سال ۱۹۸۱ رسید. در طول همین دوره سهم تجارت جنوب - جنوب از تجارت جهانی از

۱- گرایشات اصلی در روابط تجاری جنوب - جنوب

در ارزیابی جنبه‌های کمی روابط تجاری کشورهای در حال توسعه با یکدیگر (جنوب - جنوب) در دهه‌های اخیر، سه مرحله متفاوت، قابل تشخیص است:

(الف) - مرحله افزایش تدریجی تجارت جنوب - جنوب از نظر ارزش تجاری و کاهش از نظر سهم در تجارت جهانی: این مرحله در اوایل دهه ۱۹۷۰ خاتمه یافت. در این زمان تجارت جنوب - جنوب حدود ۳/۵ درصد از تجارت جهانی را در اختیار داشت.

(ب) - مرحله گسترش بسیار شدید وقتی که تجارت جنوب - جنوب بعنوان

در دهه ۱۹۷۰ (مرحله گسترش بسیار شدید) تجارت جنوب - جنوب بعنوان «موتور رشد» برای کشورهای در حال توسعه اهمیت یافت.

به ۸/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۵/۳ درصد در سال ۱۹۸۸ کاهش یافت. کاهش سهم صادرات آمریکای لاتین از کل صادرات جنوب - جنوب به همان اندازه شدید بود و از ۳۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۲۱ درصد در سال ۱۹۸۰ و به ۱۴ درصد در سال ۱۹۸۸ رسید.

البته تجربه کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا بسیار متفاوت بود. سهم صادرات آنها در تجارت جنوب - جنوب از ۳۷ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت. در طول بحران، این منطقه صادرات خود را به سایر کشورهای در حال توسعه با نرخ قابل دوام گسترش داد. این نرخ در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ سرعتی پرشتاب گرفت. عملکرد بهتر این منطقه در زمینه تجارت جنوب - جنوب نشانه‌ای بود از عملکرد کلاً مطلوب‌تر این منطقه در زمینه‌های تجاری و اقتصادی که این خود در میان سایر عوامل نشان‌دهنده سطوح پائین تر قروض و قابلیت انطباق بیشتر با تغییرات محیط اقتصادی، نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه بود.

در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اهمیت نسبی صادرات به کشورهای در حال توسعه در کل صادرات هر یک از مناطق، تدریجاً در کلیه مناطق رشد یافت و در سال ۱۹۸۱ به اوج خود رسید.

۷/۸ درصد به ۵/۴ درصد کاهش یافت. اگر تجارت مواد سوختی معدنی را کنار گذاریم، دامنه نوسانات سهم تجارت جنوب - جنوب از تجارت جهانی مواد غیر سوختی کمتر می‌شود، چنانکه از ۸/۴ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۴ درصد در سال ۱۹۸۷ کاهش می‌یابد. (جدول ۱).

البته باید تأکید کرد که تحلیل فوق بر اساس آمار قیمت‌های جاری بر حسب دلار آمریکا صورت گرفته است و نتیجتاً در استنباط آمار فوق می‌باید کاهش کلی قیمت مواد خام اولیه و کاهش ارزش دلار را که در همان دوره بوقوع پیوسته در نظر داشت.

بطور کلی رکود جهانی اوایل دهه ۱۹۸۰ تأثیری مخرب بر تجارت جنوب - جنوب نگذارد، ضمن اینکه تأثیر آن بر عملکرد تجاری هر یک از مناطق تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشت. بحران مالی و اقتصادی، سقوط قیمت‌های مواد خام اولیه، افزایش هزینه باز پرداخت بهره قروض سنگین خارجی و کاهش شدید اعطای اعتبارات تجاری، تأثیری ویرانگر بر ظرفیت‌های وارداتی کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا وارد آورد.

صادرات کشورهای در حال توسعه از منطقه آفریقا که در سال ۱۹۷۰، ۱۲ درصد از تجارت جنوب - جنوب را تشکیل می‌داد

در سال ۱۹۸۱ سهم صادرات غیرسوختی در غرب آسیا از همه بالا تر بود. در این منطقه ۵۸/۶ درصد از صادرات غیرسوختی مقصدشان بازار سایر کشورهای در حال توسعه بود. هفتمین سهم برای جنوب و جنوب شرق آسیا برابر ۳۴/۲ درصد، برای آمریکای لاتین ۲۸ درصد و برای آفریقا ۲۳/۴ درصد بود.

تا سال ۱۹۸۷ (آخرین سالی که آمارهای کلی در سطوح موردنیاز برای جمع بندی موجود است) این سهام در کلیه مناطق به ترتیب زیر کاهش یافت: در غرب آسیا به ۱۶/۸ درصد، در جنوب و جنوب شرق آسیا به ۲۵/۱ درصد، در آمریکای لاتین به ۲۱/۳ درصد و در آفریقا به ۱۸/۴ درصد (جدول ۲).

ویژگی دهه ۱۹۸۰ تغییر جهت آشکار در جریان تجاری کشورهای در حال توسعه به سمت بازار کشورهای پیشرفته بود، این تغییر روند، در جهت گیری صادرات کلیه مناطق در حال توسعه منعکس بوده است.

تغییر جهت آشکار تجاری به سمت کشورهای توسعه یافته بخصوص در زمینه صادرات مصنوعات صنعتی مشخص کننده کاهش شدیدتر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی می باشد. رشد سریعتر تقاضا در کشورهای پیشرفته، اندازه بزرگ بازارهای آنان، و در مقایسه، تسهیلات تجاری وزیر بناهای مالی بسیار پیشرفته تر آنان، و همچنین وجود درجه بالائی از مکمل بودن منابع و استعدادها و

مواهب موجود در این کشورها، نیروی کوشش قوی در جذب به سمت بازار کشورهای توسعه یافته را فراهم آورد.

از اینها گذشته فشار سنگین تمهیدات مربوط به باز پرداخت اصل و فرع قروض، تأثیری قاطع در تجارت جنوب- جنوب داشت. اولویت عمده به صادرات قابل تبدیل به ارزهای معتبر داده شده تا اصل و فرع وامها پرداخت شود و تا آنجا که ممکن است واردات بر اساس اعتبارات، شرایط پرامتیاز اعطائی یا کمک (شامل کمک مشروط) صورت گیرد. ضمن اینکه ظرفیت کشورهای در حال توسعه در اعطای اعتبارات نیز محدود بود.

طی دهه ۱۹۸۰ در میان محصولات بی خصوص نرخ های رشد بالائی را در تجارت فیما بین کشورهای در حال توسعه ثبت کرده اند می توان به کالاهای نیمه ساخته (ماهی و سبزیجات آماده، روغنهای پردازش شده)، مصنوعات متکی بر منابع طبیعی (مواد شیمیایی آلی، کودهای شیمیایی، کالاهای کائوچویی، مس) و سایر مصنوعات بسیار کاربر (مواد پلاستیکی، منسوجات، کاغذ و سایر اقلام ساخته شده از آن) اشاره کرد. علاوه بر اینها تعدادی از محصولات بی که در بردارنده سرمایه و مهارت های بسیاری در تولیدشان بوده اند (نظیر ماشین های اداری، ماشین های الکتریکی، وسایل عکاسی و سینما توگرافی یا ضبط صوتها) نیز بمیزان قابل ملاحظه ای در گسترش تجارت جنوب- جنوب مشارکت

داشته‌اند. برای بسیاری از کالاهای اخیرالذکر، تجارت در محدودی از کشورهای صادرکننده تمرکز یافته است، چنانکه تنها هشت کشور (جمهوری کره، هنگ کنگ، سنگاپور، مالزی، برزیل، آرژانتین، تایلند و هند) در سال ۱۹۸۷ بیش از ۵۰ درصد از صادرات و بیش از ۴۰ درصد از واردات فی مابین کشورهای در حال توسعه را برعهده داشته‌اند.

در بررسی تراز تجاری جریانهای موجود، بین مناطق در حال توسعه، به کسری تراز تجاری تمام مناطق در رابطه با غرب آسیا بر می‌خوریم. این امر نشان‌دهنده هزینه سنگینی است که کشورهای در حال توسعه در واردات مواد سوختی از کشورهای خلیج فارس متحمل می‌شوند (جدول ۳).

در تجارت بسین منطقه‌ای مواد غیرسوختی، منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا بطور سنتی نسبت به سایر مناطق از مازاد تجاری برخوردارند که این مازاد در سال ۱۹۸۷ به حدود ۱۲ میلیارد دلار بالغ گردیده است. این مازاد عمده از طریق صادرات

مصنوعات به غرب آسیا و آفریقا حاصل آمده است.

واردات مواد غذایی و مصنوعات آفریقا به ترتیب از آمریکای لاتین و از جنوب و جنوب شرق آسیا منجر به کسری فزاینده‌ای در تراز تجاری آن شد که در سال ۱۹۸۷ این کسری به حدود ۶ میلیارد دلار بالغ گردید.

بطور کلی در رابطه با تجارت جنوب- جنوب گروههایی با بیشترین میزان یکپارچگی و ادغام (بخصوص در آمریکای لاتین و آفریقا) در دهه ۱۹۸۰ با پس‌رفت‌های قابل ملاحظه‌ای مواجه شدند. در فاصله سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ تجارت داخلی گروهبندی‌های (ALADI)^۱، گروه آند، (CACM)^۲ و (CEAO)^۳ بیش از ۲۰ درصد کاهش یافت و میزان تجارت بین اعضای ECOWAS^۴ و UDEAC^۵ بیش از ۴۰ درصد کاهش داشت، در آسیا که مسئله بحران باز پرداخت قروض شدت و گستردگی کمتری داشت، تجارت داخلی گروه‌بندی‌های تجاری- اقتصادی متحمل مشکلات کمتری می‌شد.

(۱) بازار مشترک آمریکای لاتین متشکل از آرژانتین، برزیل، شیلی، مکزیک و گروه آند (کلمبیا و پیرو)

(۲) بازار مشترک آمریکای مرکزی

(West African Economic Community)

(۳) جامعه اقتصادی غرب آفریقا

(۴) جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا

Economic Community of West African States

(۵) اتحادیه‌گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی

Central African Customs and Economic Union.

۲- موانع ساختاری در تجارت جنوب - جنوب

در حالیکه تفاوت های موجود بین کشورهای در حال توسعه در زمینه های نظام اقتصادی، مراحل متفاوت توسعه یافتگی، عوامل تولید و منابع طبیعی و استعداد های مختلفی که دارا می باشند، می تواند محرکی مؤثر در تجارت جنوب - جنوب باشد، اما بعضی از موانع طبیعی و سیاست گذاریها هنوز مانع از گسترش این تجارت می شود و بطور مصنوعی گرایش به سمت تجارت جهان صنعتی دارد.

(الف) - ضعف شبکه حمل و نقل:

حمل و نقل زمینی کشورهای در حال توسعه از نظر کمی و کیفی پست تر از چنین راههایی در کشورهای توسعه یافته می باشد. علاوه بر این کشورهای در حال توسعه ای که از نظر طبیعی بهم نزدیک می باشند ممکن است از نظر اقتصادی چنین نباشند؛ بطور مثال، اگرچه آرژانتین و شیلی مرز طولانی مشترکی دارند، اما ممکن است صادرات فولاد را از طریق دریا ارزانتر از عبور آن از کوه های آند باشد. این مثال بیان کننده این حقیقت است که بدلیل کمبود زیر ساخت های مربوط به حمل و نقل زمینی بین المللی در کشورهای در حال توسعه، این

کشورها حتی در مورد تجارت با کشورهای همسایه بمیزان قابل توجهی متکی به حمل و نقل دریائی می باشند.

بنابراین حمل و نقل دریائی نقش بسیار مهمی در تقویت روابط بین کشورهای در حال توسعه - از طریق بهبود حمل و نقل و ارتباطات صنعتی و متعاقباً از طریق رشد تجارت فی مابین کشورهای در حال توسعه - ایفا می کند البته به دلیل ساختار بین المللی کشتیرانی و پیشرفت های آن در گذشته گرایش بیشتری نسبت به خدمات شمال - جنوب وجود دارد که این امر مانعی برای پیشرفت ارتباطات صنعتی و تجاری بین خود کشورهای در حال توسعه بوده است. علاوه بر این مشکل ساختاری، مشکل هزینه نیز وجود دارد که ناشی از کوچک بودن میزان فعلی ارسال محمولات در بین کشورهای در حال توسعه می باشد، چنانکه خطوط کشتیرانی موجود به طریقه لاینر (رفت و برگشت در مسیرهای مشخص و ثابت) اغلب در تجارت بین کشورهای در حال توسعه فعالیت نمی کنند و نتیجتاً محمولات تجاری کوچک این کشورهای محتاج انتقال از یک وسیله حمل به وسیله دیگر (Transshipment) و پرهزینه تر می شود. این مشکل می تواند تا حدودی به دلیل عدم وجود سیاستهای مشترک جمعی و مکانیزم های لازم جهت یکپارچگی، ادغام و معقولانه ساختن

چنین حمل و نقل‌هایی باشد. البته حقیقت این است که به لحاظ هزینه‌های بیشتر حمل و نقل تا حدودی تجارت بین کشورهای در حال توسعه را کد باقی می‌ماند و نسبت به شقوق با قابلیت رقابت بیشتر، تجارت کالاهائی یکسان یا مشابه در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته از مزایای کمتری برخوردار می‌شود.

باید تأکید کرد که هزینه حمل و نقل تنها تابعی ساده از مسافت، حجم، وزن و یا ارزش نیست بلکه می‌تواند و باید موضوعی وابسته به تدابیر سیاست‌های حمل و نقل باشد. کاهش هزینه‌های حمل و نقل همان اثری را خواهد داشت که کاهش تعرفه‌ها در پی دارد؛ یعنی، گسترش بیشتر تجارت در مورد کالاهای مورد مبادله قبلی و وارد کردن کالاهائی که قبلاً تنها به بازارهای داخلی محدود بود به صحنه تجارت بین الملل.

توسعه و چه به کشورهای توسعه یافته باشند. در کشورهای در حال توسعه واردکننده عدم وجود خرده‌فروشان بزرگ، واردکنندگان متخصص و عمده‌فروشان که خدمات پس از فروش را عرضه می‌دارند نشان‌دهنده مانعی خاص در تجارت جنوب- جنوب می‌باشد. سیاست جایگزینی واردات که در گذشته هسته اصلی سیاست صنعتی شدن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (بخصوص، در آمریکای لاتین) را تشکیل می‌داد، درگیر آماده‌سازی و تشویق صادرات نبود بلکه بیشتر متوجه پیشبرد صنایعی بود که در داخل برای آنها بازارهای نسبتاً بزرگی وجود داشت. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه فرصتی جهت کسب تجربه و دانش لازم در مورد بازارهای صادراتی نداشتند. کمبودی که در این زمینه بیش از همه اهمیت دارد فقدان شبکه‌های اطلاعاتی

ویژگی دهه ۱۹۸۰ تغییر جهت آشکار در جریان تجاری کشورهای در حال توسعه به سمت بازار کشورهای پیشرفته بود.

لازم به منظور تسهیل تجارت، بخصوص تجارت جنوب- جنوب می‌باشد.

بعلاوه تجارب صادراتی کشورهای در حال توسعه تولیدکننده مواد خام اولیه، قابلیت کاربردی در زمینه صادرات مصنوعات را نداشتند. این تولیدکنندگان خودشان بطور مستقیم اقدامات بازاریابی انجام نداده بودند و صادرات آنها بطور مستقیم یا غیرمستقیم توسط دولت یا آژانس‌های مرکزی صورت

(ب) - بازاریابی و توزیع:

شرکت‌های کشورهای در حال توسعه اغلب مهارت‌های بازاریابی، شناخت بازاریا دسترسی به کانالهای اطلاعاتی و توزیعی لازم جهت صادرات مصنوعات بسیار متفاوت را دارا نمی‌باشند. این وضعیت نشان‌دهنده نقصی جدی برای کشورهای در حال توسعه ای است که می‌خواهند صادرکننده مصنوعات متنوع - چه به کشورهای در حال

می‌گرفت. شق دیگر این بود که بازاریابی موردنیاز، به عهده شرکت‌های خارجی که از امتیاز بهره‌برداری از موادخام اولیه استفاده می‌کردند، گذاشته می‌شد.

از آنجا که گرایش، احتمالاً به سمت افزایش اهمیت بازاریابی بعنوان عاملی در توسعه صادرات مصنوعات می‌باشد، کشورهای در حال توسعه‌ای که تولید کنندگان‌شان تجربه یا سابقه بازاریابی در زمینه صادرات را ندارند با عدم مزیت فزاینده‌ای روبرو خواهند شد.

البته باید اشاره کرد که بیشتر موفقیت اولیه بعضی از کشورهای صادرکننده شرق آسیا در افزایش سهمشان از بازار جهانی مصنوعات می‌تواند به دلیل سطح بالای سرمایه‌گذارهای خارجی مرتبط با تولید کالاهائی باشد که به منظور صدور به بازارهای داخلی کشورهای سرمایه‌گذار خارجی صورت می‌گیرد و نه مهارت‌های بازاریابی خود این کشورها.

(ج) - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه شرق آسیا که بخصوص در زمینه صادرات مصنوعات بخوبی عمل کرده‌اند، ارائه‌دهنده این نظر است که سرمایه‌گذارهای خارجی در پیشبرد ارتباطات تجاری با خارج نقش مهمی داشته است.

شواهد آماری موجود نشان می‌دهد که در تمام کشورها، سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی همبستگی بیشتری با سهم

مصنوعات در صادرات دارند تا با سهم مصنوعات در تولید.

اهمیت سرمایه‌گذارهای خارجی در تعیین جهت تجارت، برحسب درصد وارداتی که در شعب آسیایی شرکت‌های آمریکائی تولید می‌شود به کل واردات مصنوعات آمریکا از همان کشورهای آسیائی نشان داده می‌شود (از اندونزی ۴۸ درصد، از مالزی ۹۰ درصد و از سنگاپور ۶۸ درصد)

مورد مالزی بهترین مثال نمایش‌دهنده این پدیده عمومی است: سرمایه‌گذارهای بالغ بر ۲ میلیارد دلار که در طول شانزده سال گذشته توسط شرکت‌های فرا ملیتی آمریکائی و ژاپنی صورت گرفته، با تغییرات اقتصادی مالزی - از وابستگی به مواد خام اولیه به وابستگی به تولید صنعتی و صادرات مصنوعات - همراه بوده است. مالزی اکنون سومین تولیدکننده بزرگ چیپ (Chips) های الکترونیکی بعد از آمریکا و ژاپن و بزرگترین صادرکننده آن می‌باشد.

می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی که سهم زیادی در توسعه اقتصادی کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا داشته‌اند عمدتاً توسط سرمایه‌گذاران خارجی کشورهای صنعتی صورت گرفته‌اند، آنهم در حالی که این سرمایه‌گذاران بازارهای داخلی کشورهای خود را مدنظر داشته‌اند، توجه به این نکته کمک می‌کند تا تغییر جهت صادرات این منطقه به سمت کشورهای شمال را دریابیم.

جدول (۱): اهمیت نسبی تجارت فی مابین کشورهای در حال توسعه ۱۹۷۰-۱۹۸۹ (بر اساس ماتریس صادرات)

واحد: میلیارد دلار / درصد

کل تجارت		کل تجارت به استثنای مواد سوختی معدنی						سال
جهان		جهان		کشورهای در حال توسعه		کشورهای در حال توسعه		
کل	به کشورهای در حال توسعه	کل	به کشورهای در حال توسعه	کل	به کشورهای در حال توسعه	کل	به کشورهای در حال توسعه	
۲۱۲/۱	۵۸/۱	۵۵/۰	۱۱/۰	۲۸۳/۴	۵۳/۵	۳۶/۹	۷/۲	۱۹۷۰
۸۷۲/۷	۲۰۰/۴	۲۱۰/۹	۴۹/۰	۷۰۳/۲	۱۷۱/۱	۸۵/۴	۲۲/۸	۱۹۷۵
۱۹۹۴/۳	۴۶۳/۶	۵۵۸/۶	۱۳۸/۶	۱۵۱۵/۶	۳۷۸/۴	۲۱۲/۱	۶۳/۶	۱۹۸۰
۱۹۵۸/۶	۵۰۸/۲	۵۲۳/۱	۱۵۲/۳	۱۴۸۷/۱	۴۱۴/۲	۲۱۶/۸	۷۱/۲	۱۹۸۱
۱۹۰۷/۲	۴۳۸/۷	۴۶۹/۰	۱۳۲/۹	۱۵۲۹/۷	۳۶۳/۵	۲۵۲/۳	۷۱/۱	۱۹۸۴
۱۹۳۳/۴	۴۲۴/۰	۴۶۲/۵	۱۳۴/۶	۱۵۴۴/۵	۳۴۰/۷	۲۴۲/۸	۶۵/۰	۱۹۸۵
۲۱۳۳/۱	۴۲۴/۸	۴۲۳/۱	۱۲۲/۲	۱۸۵۳/۶	۲۸۲/۰	۲۹۸/۰	۷۳/۴	۱۹۸۶
۲۴۹۱/۵	۵۰۲/۲	۵۰۱/۷	۱۳۲/۲	۲۲۱۳/۷	۴۴۴/۰	۳۶۲/۲	۸۹/۳	۱۹۸۷
۲۸۲۴/۰	۵۸۴/۵	۵۵۸/۵	۱۵۳/۰	-	-	-	-	۱۹۸۸

سهم تجارت فی مابین کشورهای در حال توسعه						سال
به استثنای مواد سوختی معدنی			به کل صادرات کشورهای در حال توسعه	به کل صادرات کشورهای در حال توسعه	به کسب و کار تجارت جهان	
به کل واردات کشورهای در حال توسعه	به کل صادرات کشورهای در حال توسعه	به کل تجارت جهان	به کل واردات کشورهای در حال توسعه	به کل صادرات کشورهای در حال توسعه	به کل تجارت جهان	
۱۳/۴	۱۹/۵	۲/۵	۱۸/۹	۱۹/۶	۳/۵	۱۹۷۰
۱۳/۳	۲۷/۰۷	۳/۲	۲۴/۶	۲۳/۳	۵/۶	۱۹۷۵
۱۶/۸	۳۰/۰	۴/۲	۲۹/۹	۲۴/۸	۶/۹	۱۹۸۰
۱۷/۲	۳۲/۸	۴/۸	۳۰/۰	۲۸/۰	۷/۸	۱۹۸۱
۱۹/۶	۲۸/۲	۴/۶	۳۰/۳	۲۸/۳	۷/۰	۱۹۸۴
۱۹/۱	۲۶/۸	۴/۲	۳۱/۸	۲۹/۱	۷/۰	۱۹۸۵
۱۹/۲	۲۵/۴	۴/۰	۲۸/۸	۲۷/۶	۵/۷	۱۹۸۶
۲۰/۱	۲۴/۷	۴/۰	۲۶/۳	۲۶/۴	۵/۳	۱۹۸۷
-	-	-	۲۶/۲	۲۷/۴	۵/۴	۱۹۸۸

UNCTAD, *Hand book of International Trade and Statistics* United Nations, *Monthly Bulletin of Statistics*, May and June 1989 Issues.

عملکرد صادراتی منطقه جنوب و جنوب شرق آسیا در طول دوران بحران بدلیل سطوح پائین تر قروض و قابلیت انطباق بیشتر این منطقه با تغییرات محیط اقتصادی بهتر از سایر کشورهای در حال توسعه بود.

جدول (۲): اهمیت نسبی صادرات به کشورهای در حال توسعه در کل صادرات هر یک از مناطق در حال توسعه طی سالهای ۱۹۷۰-۸۸ (بر حسب درصد)

جنوب و جنوب شرقی آسیا	به استثنای مواد سوختی معدنی			تمام کالاها				
	غرب آسیا	آفریقا	آمریکای لاتین	جنوب و جنوب شرقی آسیا	غرب آسیا	آفریقا	آمریکای لاتین	
۲۲/۸	۳۱/۳	۱۲/۵	۱۴/۸	۲۸/۵	۲۰/۲	۱۰/۷	۱۹/۸	۱۹۷۰
۳۱/۷	۲۲/۸	۱۶/۶	۲۱/۴	۳۰/۷	۲۲/۵	۱۴/۶	۲۴/۷	۱۹۷۵
۳۲/۲	۲۷/۲	۱۵/۹	۲۶/۵	۳۲/۲	۲۴/۷	۱۲/۵	۲۶/۱	۱۹۸۰
۲۹/۴	۵۷/۲	۲۱/۹	۲۱/۲	۳۰/۷	۳۷/۰	۱۳/۱	۲۲/۸	۱۹۸۲
۲۸/۱	۵۵/۰	۲۱/۲	۲۱/۳	۲۹/۵	۲۸/۰	۱۳/۶	۲۳/۱	۱۹۸۵
۲۵/۹	۵۲/۹	۱۹/۲	۲۱/۲	۲۶/۹	۲۲/۱	۱۶/۷	۲۲/۳	۱۹۸۶
۲۵/۱	۲۶/۸	۱۸/۲	۲۱/۳	۲۵/۷	۲۲/۸	۲۳/۹	۲۲/۱	۱۹۸۷
-	-	-	-	۲۲/۱	۲۵/۹	۱۵/۲	۲۱/۰	۱۹۸۸

UNCTAD, *Hand book of International Trade and Statistics* United Nations, *Monthly Bulletin of Statistics*, May and June 1989 Issues.

جدول (۳): تراز تجاری جریانهای بین منطقه‌ای در سالهای ۱۹۷۰-۸۸

میلیون دلار

کل	کشورهای در حال توسعه			آمریکای لاتین	به از
	جنوب و جنوب شرقی آسیا	غرب آسیا	آفریقا		
-۳۴۵	-۳۰	-۱۹۷	-۱۱۸		آمریکای لاتین ۱۹۷۰
-۶۴۱۰	-۷۷۱۰	-۴۴۱۵	-۱۲۲۴		۱۹۷۵
-۱۵۳۰۳	-۲۲۵۵	-۹۵۴۰	-۳۵۰۸		۱۹۸۰
-۶۱۰۲	-۷۶۶	-۵۲۵۲	-۸۳		۱۹۸۴
-۷۰۴۴	-۴۸۴	-۶۶۰۱	+۴۱		۱۹۸۵
-۵۷۶۶	-۴۸۴	-۵۱۰۶	+۲۸		۱۹۸۶
-۶۲۱۴	-۷۶۵	-۵۰۵۰	+۱۶۷۰		۱۹۸۷
-۶۹۶۹	-۱۴۸۴	-۵۶۳۴	+۱۲۶		۱۹۸۸
-۲۵۲	-۲۲۶	-۱۴۵	+۱۱۸		آفریقا ۱۹۷۰
-۱۱۲۴	-۱۰۵۷	-۱۲۹۱	+۱۲۲۴		۱۹۷۵
-۱۳۲۲	-۳۰۹۰	-۱۷۴۰	+۳۵۰۸		۱۹۸۰
-۳۷۵۸	-۲۶۳۹	-۱۲۰۲	+۸۳		۱۹۸۴
-۲۶۶۶	-۲۵۱۹	-۲۱۰۶	-۴۱		۱۹۸۵
-۴۵۵۱	-۲۴۹۳	-۲۰۱۷	-۲۸		۱۹۸۶
-۵۳۴۳	-۳۰۰۵	-۱۷۹۰	-۱۶۷		۱۹۸۷
-۵۸۸۲	-۳۶۷۱	-۱۸۴۹	-۱۲۶		۱۹۸۸
+۸۰۵	+۴۶۳		+۱۴۵	+۱۹۷	غرب آسیا ۱۹۷۰
+۱۰۹۴۱	+۵۲۳۵		+۱۲۹۱	+۴۴۱۵	۱۹۷۵
+۲۹۵۳۴	+۱۸۲۵۴		+۱۷۴۰	+۹۵۴۰	۱۹۸۰
+۱۳۳۲۰	+۶۸۶۵		+۱۲۰۲	+۵۲۵۲	۱۹۸۴
+۲۲۷۵۲	+۱۴۰۴۵		+۲۱۰۶	۶۶۰۱	۱۹۸۵
+۱۴۲۳۷	+۶۸۹۸		+۲۰۱۷	۵۱۰۶	۱۹۸۶
+۱۲۱۵۲	+۵۵۰۹		+۱۷۹۰	۵۰۵۰	۱۹۸۷
+۱۳۰۵۲	+۵۵۲۸		+۱۸۴۹	۵۶۳۴	۱۹۸۸

کل	کشورهای در حال توسعه				
	جنوب و جنوب شرقی آسیا	غرب آسیا	آفریقا	آمریکای لاتین	
-۲۰۷		-۴۶۳	+۲۲۶	+۳۰	۱۹۷۰ جنوب و جنوب شرق آسیا
-۳۴۰۷		-۵۲۳۵	+۱۰۵۷	+۷۷۱	۱۹۷۵
-۱۲۹۰۹		-۱۸۲۵۲	+۳۰۹۰	+۲۲۵۵	۱۹۸۰
-۳۴۶۰		-۶۸۶۵	+۲۶۳۹	+۷۶۶	۱۹۸۲
-۹۵۳۹		-۱۳۲۰۵	+۲۵۵۲	+۸۴۶	۱۹۸۵
-۳۲۹۷		-۶۸۹۸	+۲۴۹۳	+۷۶۵	۱۹۸۶
-۹۹۰		-۵۵۰۹	+۳۰۰۵	+۱۳۵۹	۱۹۸۷
-۱۰		-۵۵۲۸	+۳۶۷۱	+۱۲۸۲	۱۹۸۸
۰	+۲۰۷	-۸۰۵	+۲۵۳	+۳۴۵	۱۹۷۰ کل
۰	+۳۴۰۷	-۱۰۹۴۱	+۱۱۲۴	+۶۴۱۰	۱۹۷۵
۰	+۱۲۹۰۹	-۲۹۵۳۲	+۱۳۲۲	+۱۵۳۰۳	۱۹۸۰
۰	+۳۴۶۰	-۱۳۳۲۰	+۳۷۵۸	+۶۱۰۲	۱۹۸۲
۰	+۱۱۰۴۲	-۲۲۷۵۲	+۴۶۶۶	+۷۰۴۲	۱۹۸۵
۰	+۳۲۹۷	-۱۴۲۲۷	+۴۵۵۱	+۵۷۶۶	۱۹۸۶
۰	+۹۹۰	-۱۲۱۵۲	+۵۳۴۳	+۶۲۱۴	۱۹۸۷
۰	+۱۰	-۱۳۰۵۲	+۵۸۸۲	+۶۹۶۹	۱۹۸۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اهمیت نسبی صادرات به کشورهای در حال توسعه در کل صادرات هریک از مناطق در حال توسعه، تدریجاً رشد یافت و به اوج خود در سال ۱۹۸۱ رسید.

در میان محصولاتى که در دهه ۱۹۸۰ نرخ رشدهاى بالاتر را در تجارت فى مابین کشورهاى در حال توسعه ثبت کرده اند مى توان به ماهى و سبزیجات آماده شده، روغنهای پردازش شده، مواد شیمیائی آلى، کودهاى شیمیائی، کالاهای کاتوجوئى، مس، مواد پلاستیكى، منسوجات و کاغذ اشاره کرد.

جدول (۴): طرحهای تأمین مالی صادرات و ارزش صادرات مصنوعات در ۶۵ کشور در حال توسعه.

گروه	تعداد کشورها	دامنه تغییرات ارزش صادرات (میلیون دلار)	متوسط ارزش صادرات مصنوعات (میلیون دلار)	متوسط تولید ناخالصى سرانه (دلار)	تأمین مالی قسبل از صدور	
					بلى	خیر
گروه ۱	۱۳	۰-۲۷	۱۳	۳۵۱	۱ (۸)	۱۲ (۹۲)
گروه ۲	۱۳	۲۹-۵۹	۲۴	۶۳۷/۰	۱ (۸)	۱۲ (۹۲)
گروه ۳	۱۳	۲۴۷-۷۶	۱۹۶	۷۰۶	۱۰ (۷۷)	۳ (۲۳)
گروه ۴	۱۳	۲۵۳۴-۳۴۶	۱۰۰۹/۰	۱۰۸۴/۰	۱۲ (۹۲)	۱ (۸)
گروه ۵	۱۳	۲۰۷۲۲-۲۵۸۲	۱۱۶۰۰	۲۵۲۲	۱۳ (۱۰۰)	۰ (۰)
کل	۶۵		۲۵۷۲/۴	۱۰۶۰/۴	۳۷ (۵۷)	۲۸ (۲۳)

	(۲) تأمین مالی کوتاه مدت بعد از صدور		(۳) تأمین مالی میان مدت بعد از صدور		(۴) تضمین تأمین مالی صادرات قبل از صدور		(۵) بیمه و تضمین اعتبارات صادراتی	
	بلی	غیر	بلی	غیر	بلی	غیر	بلی	غیر
گروه ۱	۱ (۸)	۱۲ (۹۲)	۰ (۰)	۱۲ (۹۲)	۰ (۰)	۱۳ (۱۰۰)	۱ (۸)	۱۲ (۹۲)
گروه ۲	۳ (۲۳)	۱۰ (۷۷)	۰ (۰)	۱۳ (۱۰۰)	۰ (۰)	۱۳ (۱۰۰)	۱ (۸)	۱۲ (۹۲)
گروه ۳	۵ (۳۸)	۸ (۶۲)	۰ (۰)	۹ (۶۹)	۲ (۳۱)	۱۳ (۱۰۰)	۲ (۳۱)	۹ (۶۹)
گروه ۴	۱۲ (۹۲)	۱ (۸)	۵ (۳۸)	۹ (۶۹)	۲ (۳۱)	۸ (۶۲)	۱۱ (۸۵)	۲ (۱۵)
گروه ۵	۱۳ (۱۰۰)	۰ (۰)	۵ (۳۸)	۲ (۳۱)	۵ (۳۸)	۸ (۶۲)	۱۲ (۹۲)	۱ (۴)
کل	۳۴ (۵۲)	۳۱ (۴۸)	۱۰ (۱۵)	۲۷ (۷۲)	۱۸ (۲۸)	۵۲ (۸۵)	۲۹ (۴۵)	۳۶ (۵۵)

در این جدول به نکات زیر توجه شود:

- ۱- تنها کشورهایی که آمار صادرات مصنوعات آنها موجود بوده است محسوب شده‌اند.
- ۲- هنگ کنگ در همه بخش‌های مربوط به تأمین مالی در گروه بلی قرار می‌گیرد، زیرا به دلیل ترتیبات خصوصی دسترسی به تأمین مالی صادراتی تسهیل می‌شود.
- ۳- ارقام درون پرانتز مربوط به درصد است. ارزش صادرات و تولید ناخالص سرانه مربوط به آمار سال ۱۹۸۵ است.

بدلیل کمبود زیر ساخت‌های مربوط به حمل و نقل زمینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، این کشورها حتی در مورد تجارت با کشورهای همسایه بمیزان قابل توجهی متکی به حمل و نقل دریائی می‌باشند.

بیشتر موفقیت کشورهای صادرکننده شرق آسیا در افزایش سهمشان از بازار جهانی مصنوعات می‌تواند به دلیل سطح بالای سرمایه‌گذارهای خارجی مرتبط با تولید کالاها و صادراتی برای بازار کشورهای سرمایه‌گذار باشد و نه به لحاظ مهارت‌های بازاریابی خود این کشورها.

(د) - تأمین مالی تجارت:

تلاش‌هایشان جهت توسعه صادرات مصنوعات غیرسنتی چه به کشورهای شمال و چه به جنوب عمل کرده است.

بنابراین مشکل تأمین مالی تجاری مسئله‌ای است که می‌باید قبل از توسعه موفقیت‌آمیز صادرات مصنوعات غیرسنتی بر آن غلبه یافت. درجه همبستگی بین امکانات تأمین مالی تجاری و موفقیت در توسعه صادرات مصنوعات بطور خلاصه در جدول (۴) ارائه شده است.

امکان تأمین مالی تجارت عامل مهمی است که در عملکرد صادراتی مصنوعات غیرسنتی (بخصوص تجهیزات سرمایه‌ای و کالاهای مهندسی) اثر می‌گذارد. اکثر کشورهای در حال توسعه فاقد تشکیلات و همینطور سرمایه موردنیاز جهت ایجاد ضوابط تأمین مالی تجاری لازم برای حمایت از گرایش‌های صادراتی می‌باشند و این مسئله بعنوان یک محدودیت جدی در مقابل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

به نقل از:

UNCTAD, *Trade Expansion Among Developing Countries: Constraints and Measures to Overcome Them* (Geneva; UNCTAD Pub., Oct 1990).